



راز پرهیز برخی از مسلمانان از سعی صفا و مروه / ضرورت تکریم مسافر بیت الله الحرام

آیت الله جوادی آملی درباره علت اینکه برخی از مسلمانان در صدر اسلام از سعی صفا و مروه پرهیز می کردند، می گوید: بر فراز صفا و مروه دو بت نصب کرده بودند ...

تفسیر قرآن /

راز پرهیز برخی از مسلمانان از سعی صفا و مروه / ضرورت تکریم مسافر بیت الله الحرام
آیت الله جوادی آملی درباره علت اینکه برخی از مسلمانان در صدر اسلام از سعی صفا و مروه پرهیز می کردند، می گوید: بر فراز صفا و مروه دو بت نصب کرده بودند و در هنگام سعی این دو بت را هم مسح می کردند و چون در اسلام سعی بین صفا و مروه از شعائر الهی است، عده ای از سعی بین صفا و مروه به دلیل همین موضوع پرهیز می کردند، اما آیه نازل شد که صفا و مروه از شعائر الهی است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 158 سوره بقره (إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) که به مسئله حج و سعی صفا و مروه اشاره دارد درباره راز پرهیز برخی از مسلمانان از سعی در این منطقه می گوید: اما آیه ای که محل بحث است مسئله صفا و مروه است که ظاهراً از نظر سیاق با گذشته و آینده ارتباطی هم ندارد، با آیات مسئله حج مناسب است. فرمود: صفا و مروه از شعائر الهی اند. صفا و مروه اسم دو کوه است در کنار کعبه معظمه که بر فراز صفا و مروه دو بت نصب کرده بودند و در جاهلیت بین صفا و مروه سعی می کردند و در هنگام سعی این دو بت را هم مسح می کردند تبرکاً و چون در اسلام سعی بین صفا و مروه از شعائر الهی است و باید بین این دو جبل سعی بشود، عده ای از سعی بین صفا و مروه پرهیز می کردند، برای همان جریان بتی که روی این دو کوه بود.

صفا و مروه، شعائر الهی

وی می افزاید: خدای سبحان فرمود به اینکه صفا و مروه از شعائر الهی است، این مخصوص به اعراب جاهلی نیست؛ مثل اینکه خود کعبه از بیوت الهی است و دیگران کعبه را بتکده کرده اند و اگر عده ای آمدند غاصبانه کعبه را بتکده کرده اند. نباید از طواف اطراف کعبه شما پرهیز کنید. صفا و مروه هم این چنین است، اینها از شعائر الهی است خدا اینها را جزء شعائر قرار داد، شما از سعی بین صفا و مروه پرهیز نکنید: إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ. اصلاً صفا نام آن سنگ أُمْلَس و صاف است. مروه هم اسم سنگهای ریز براق است. فرمود: این دو کوه از شعائر الهی اند.

این مفسر برجسته قرآن با بیان اینکه خدای سبحان این دو کوه را جزء علائم عبادی قرار داد؛ یادآور می شود: مثل اینکه مشعر را به عنوان علامت عبادی قرار داد، خود کعبه را جزء علائم عبادی قرار داد، منا را جزء علائم عبادی قرار داد و سایر مناسک حج هم این چنین است. اینها شعائر جعلی اند، تشریعی اند وگرنه سراسر جهان خلقت شعائر الهی است یعنی علامت حق است. این شعائر را خدای سبحان تشریعاً قرار داد تا علائم عبادت باشد. بعضی از امور را به عنوان موقف قرار داد؛ مثل عرفات و مشعر. بعضی را به عنوان مطاف قرار داد؛ مثل حول الکعبه یا مسعی قرار داد؛ مثل بین الجبلین (بین صفا و مروه). بعضیها را هم منحر قرار داد (جای ذبح و نحر قرار داد)؛ مثل منا. اینها علائم تشریعی و جعلی است، خدای سبحان این امور را به عنوان نشانه عبادت قرار داد: إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ یعنی از علائم الهی است از شعیره و علامت حق است.

عدم دلیل بر استحباب نفسی سعی

وی در ادامه تأکید می کند: سر اینکه فرمود: فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ شَآئِدَ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا می تواند بعد از عمل هر باری که مسجد الحرام مشرف شد، هفت شوط دور کعبه طواف کند. خود طواف مثل نافله مستحب است، اما درباره سعی محل تأمل است که سعی بین صفا و مروه هم مثل طواف نافله باشد و مستحب نفسی باشد، محل بحث است. شاید دلیل قاطع برای این کار نداشته باشیم. لذا درباره سعی بین صفا و مروه مقید به حج و عمره کرده است که سعی بین صفا و مروه جزء حج است یا جزء عمره است، خودش مستقلاً نافله نیست (عبادت نیست) نظیر طواف نیست؛ نظیر وقوف عرفات یا وقوف مشعر یا وقوف منا، مبیت منا، اینها عبادت های مستقل نیستند بر خلاف طواف. که طواف یک عبادت مستقل است، لذا درباره سعی بین صفا و مروه فرمود: اگر کسی حج یا عمره انجام داد بر او حرجی نیست که بین صفا و مروه سعی کند.

آیت الله جوادی آملی می گوید: اما چرا تعبیر به لَا جُنَاحَ فرمود؟ برای نفی توهم افرادی که می گفتند وقتی جایی صفا و مروه جایی بت شد و اعراب جاهلی هم بین اینها سعی می کنند، ما سعی نمی کنیم یا برای اینکه فکر می کردند، سعی بین صفا و مروه

از سنن جاهلیت است یا برای آنکه فکر می‌کردند چون بالای کوه صفا و بالای کوه مروه بت «أساف» و «نائله» هست، سعی بین این دو بت ناروا و بد است. به هر گمانی که بود بعضی از سعی بین صفا و مروه پرهیز داشتند.

شان نزول آیه

وی درباره شان نزول این آیه تصریح می‌کند: حتی گفتند که در «عمرة القضاء» وجود مبارك رسول خدا(ص) شرط کرد که این دو بت را از بالای کوه صفا و مروه بردارند. اینها در موقع سعی و مناسک و مراسم حج و عمره برمی‌داشتند احیاناً، مردی تحاشی کرد از سعی بین صفا و مروه تا اینکه ایام گذشت، دوباره آنها بت را آوردند روی این دو کوه نصب کردند. به حضرت عرض کردند که در مناسک امسال (در مراسم حج) یک شخصی از سعی بین صفا و مروه اجتناب کرد، گفت: چون بالای این دو کوه قبلاً بت بود و بعداً هم بت نصب می‌کنند، من سعی نمی‌کنم. آن وقت این آیه نازل شد که اگر بالای این دو کوه بت بود یا بعداً بت می‌گذارند بر شما جناح و حرج نیست که بین این دو سعی کنید... مثل اینکه بر بالای کعبه هم بت می‌گذاشتند تا زمان فتح مکه که وجود مبارك رسول خدا به حضرت امیر(ع) دستور داد، حضرت بر دوش مبارك رسول خدا پا گذاشت و این کعبه را تطهیر کرد و بتها را ریخت. با اینکه کعبه بر پشت بامش بت بود مع ذلك طواف دورش رایج بود. بعد از فتح مکه این کعبه معظمه و مکرمه تطهیر شد. خدای سبحان از این جهت فرمود به اینکه حرجی ندارد: فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا.

ضرورت تعظیم شعائر الهی/ علت تکریم زائر بیت الله

صاحب تفسیر تسنیم بر ضرورت تعظیم شعائر الهی با توجه به آیات قرآن تأکید کرده و می‌گوید: از آیات دیگر استفاده می‌شود که شعائر الهی را باید گرامی داشت یعنی آنچه را که خدای سبحان به عنوان علامت عبادت قرار داد، آن را باید گرامی داشت. در سوره مبارکه مائده، آیه دوم فرمود به اینکه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا؛ فرمود: مؤمنین هرچه علامت الهی است آن را رها نکنید، بازش نکنید. احلال نکنید. آن را احرام نکنید (آن را محترم بشمارید) آن را باز نکنید ولو مسئله قلائد باشد. آنچه که به عنوان قلاده در گردن این گوسفند یا شتر آویزان می‌کنند که علامت باشد که او را باید قربانی کرد، آن را هم گرامی بشمارید. چیزی که به نام خدا شد آن را احلال نکنید، بلکه احرام کنید یعنی محترمش بشمارید. حتی زائرانی که عازم بیت الله‌اند، آنها را گرامی بدارید. آنها که آمین بیت الحرام‌اند یعنی قاصدین مکه‌اند، آنها را هم محترم بشمارید. زائرین بیت الله با مسافرین دیگر فرق می‌کنند. این‌طور نیست که اگر کسی خواست زائرین بیت الله را سوار کند مثل [اینکه] مسافرین سایر شهرها و دیارها را دارد سوار می‌کند، این‌چنین نیست... ولی اگر کسی سفر مکه‌اش با دیگر سفرها یکسان است، او آم و قاصد بیت الله الحرام نیست، او عازم سوغات است، او محترم نیست لذا لازم نیست که او را احرام کرد [و] او را گرامی شمرد. ولی اگر کسی واقعاً کسی آم‌البیت الحرام بود (قاصد کعبه بود) يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا بود، خود همین شخص جزء شعائر الهی است (در ردیف شعائر الهی است) نباید او را عادی تلقی کرد.

تعظیم شعائر الهی، نشانه تقوای قلب

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر آیه 158 سوره بقره تعظیم شعائر الهی را نشانه تقوای قلب خوانده و تصریح می‌کند: در سوره مبارکه حج گرامی داشتن شعائر الهی را نشانه تقوای قلب می‌داند، آیه 32 سوره حج این است می‌فرماید: ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ هر کس علامت‌های الهی را عظیم و بزرگ می‌شمارد و در برابر آن تعظیم می‌کند، این نشانه تقوای قلب است یعنی نشانه آن است که صاحب این تعظیم از تقوای قلب برخوردار است. اختصاصی به شعائر حج ندارد؛ زیرا کلی است فرمود: وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ؛ هرچه که علامت الهی است. مسجد این چنین است همه عبادتها این چنین‌اند، هرچه که نام خداست و نشانه إله است، جزء شعائر الهی است.